

انسجام ملی و حکمرانی در ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌های پس از بحران‌های اخیر!

تحولات سال‌های اخیر نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران هم‌زمان با مجموعه‌ای از فشارهای داخلی و خارجی مواجه بوده است؛ از تحریم‌های گسترده اقتصادی و جنگ ترکیبی گرفته تا تهدیدهای امنیتی، عملیات اطلاعاتی، جنگ رسانه‌ای و در نهایت رویارویی‌های مستقیم نظامی با رژیم صهیونیستی. طبیعی است که استمرار چنین شرایطی، هر نظام سیاسی را با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه حکمرانی، اقتصاد، سیاست خارجی و سرمایه اجتماعی روبه‌رو می‌کند.

با این حال، تحلیل این وضعیت زمانی دقیق خواهد بود که از دوگانه‌های ساده‌انگارانه «فروپاشی کامل» یا «بی‌نقص بودن ساختار» فاصله بگیرد. تجربه چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف توانسته است بحران‌های بزرگ امنیتی، سیاسی و اقتصادی را پشت سر بگذارد و در عین حال با آسیب‌ها و کاستی‌هایی نیز مواجه بوده که نیازمند اصلاح و بازسازی مستمر است.

سرمایه راهبردی؛ انسجام ملی در برابر فشارهای خارجی

یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های سال‌های اخیر، شکل‌گیری نوعی همگرایی ملی در برابر تهدیدهای خارجی است. هرگاه امنیت و تمامیت ارضی کشور هدف قرار گرفته، بخش قابل توجهی از جامعه با وجود تفاوت دیدگاه‌های سیاسی، از اصل دفاع از ایران حمایت کرده است. این تجربه نشان می‌دهد که سرمایه ملی جمهوری اسلامی صرفاً در ساختارهای رسمی خلاصه نمی‌شود، بلکه بر پیوند میان هویت ایرانی، باورهای دینی و احساس مسئولیت عمومی نسبت به کشور نیز استوار است.

حفظ این سرمایه، مستلزم آن است که سیاست‌گذاری‌ها بیش از گذشته بر تقویت اعتماد عمومی، افزایش مشارکت اجتماعی و گفت‌وگوی ملی متمرکز شود.

چالش‌های حکمرانی؛ ضرورت اصلاح مستمر

انکار مشکلات اقتصادی، معیشتی و مدیریتی، کمکی به تقویت نظام حکمرانی نمی‌کند. تورم، کاهش قدرت

خرید، مشکلات اشتغال، فساد اداری، ناترازی انرژی و مسائل زیست‌محیطی از جمله موضوعاتی هستند که بخش قابل توجهی از مطالبات جامعه را شکل داده‌اند.

تجربه نظام‌های سیاسی مختلف نشان می‌دهد که پایداری یک حکومت بیش از هر چیز به توانایی آن در اصلاح ساختارها، افزایش کارآمدی و پاسخ‌گویی به مطالبات شهروندان وابسته است. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. هر اندازه سازوکارهای نظارتی، شفافیت اقتصادی و پاسخ‌گویی مدیران تقویت شود، سرمایه اجتماعی نظام نیز افزایش خواهد یافت.

سیاست خارجی؛ تلفیق اقتدار و دیپلماسی

در سال‌های اخیر، سیاست خارجی ایران تحت تأثیر فشارهای بی‌سابقه بین‌المللی قرار داشته است. تحریم‌های گسترده، رقابت‌های منطقه‌ای و تهدیدهای امنیتی، تصمیم‌گیری در این حوزه را دشوارتر کرده است.

در چنین شرایطی، تجربه نشان داده است که اقتدار دفاعی و دیپلماسی فعال دو مؤلفه مکمل یکدیگرند، نه رقیب هم. قدرت بازدارندگی زمانی بیشترین اثر را خواهد داشت که با ابتکارهای دیپلماتیک، تعامل سازنده با کشورهای منطقه، توسعه روابط با جهان اسلام و بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی همراه باشد.

سرمایه اجتماعی؛ مهم‌ترین پشتوانه امنیت ملی

امنیت پایدار تنها با ابزارهای نظامی یا امنیتی تأمین نمی‌شود. اعتماد عمومی، مشارکت مردم، عدالت اجتماعی، امید به آینده و احساس تعلق به کشور، مهم‌ترین عناصر امنیت ملی محسوب می‌شوند.

تقویت این سرمایه مستلزم توجه به مطالبات نسل جوان، ارتقای عدالت در فرصت‌های اقتصادی، افزایش شفافیت، مبارزه مؤثر با فساد و گسترش گفت‌وگوی اجتماعی است. هر اندازه فاصله میان مردم و نهادهای حکمرانی کاهش یابد، ظرفیت کشور برای عبور از بحران‌های آینده نیز افزایش خواهد یافت.

وحدت اسلامی؛ سرمایه‌ای فراتر از مرزهای ایران

برای جمهوری اسلامی، وحدت اسلامی صرفاً یک شعار سیاسی نیست، بلکه یکی از ارکان راهبرد امنیت منطقه‌ای و تمدنی به شمار می‌آید. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هرگونه اختلاف مذهبی و قومی، بیش از همه به سود بازیگران خارجی و رژیم صهیونیستی تمام می‌شود.

از این رو، تقویت همگرایی میان مذاهب اسلامی، گفت‌وگوی نخبگان، همکاری علمی و فرهنگی و مقابله با پروژه‌های تفرقه‌افکنانه، نه تنها یک ضرورت دینی، بلکه بخشی از الزامات امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای است.

جمع‌بندی

جمهوری اسلامی ایران امروز با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌ها به صورت هم‌زمان روبه‌رو است. فشارهای خارجی، جنگ شناختی و تهدیدهای امنیتی واقعی، انکارناپذیرند؛ همان‌گونه که وجود برخی مشکلات اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی نیز واقعی است که باید با رویکردی اصلاح‌گرایانه و آینده‌نگر به آن پرداخته شود.

تجربه چهار دهه گذشته نشان داده است که مهم‌ترین عامل عبور از بحران‌ها، اتکای هم‌زمان به سه مؤلفه اساسی بوده است: اقتدار ملی، کارآمدی حکمرانی و انسجام اجتماعی. هر اندازه این سه مؤلفه تقویت شوند، توان جمهوری اسلامی برای مدیریت بحران‌ها و ایفای نقش مؤثر در جهان اسلام نیز افزایش خواهد یافت؛ مسیری که با منطق تقریب، گفت‌وگو و همبستگی اسلامی نیز کاملاً همسو است.